

# اروند رود



دکتر هوشنگ طالع

# اروند رود

دکتر هوشنگ طالع

موضوع: ایران - روابط خارجی - عراق - تاریخ  
Iran - Foreign relations - Iraq - History  
موضوع: عراق - روابط خارجی - ایران - تاریخ  
Iraq - Foreign relations - Iran - History  
رده‌بندی کنگره: DSR ۲۱۷۲  
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۵۳۷  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۴۰۳۷۵۰

سرشناسه: طالع، هوشنگ، ۱۳۱۲  
عنوان و نام پدیدآورنده: اروندرود / هوشنگ  
طالع  
مشخصات نشر: لنگرود - سمرقند، ۱۳۹۹  
شابک: ۹۶۲-۷۷۷۵-۹۸-۴  
مشخصات ظاهری: ۲۱۶ صفحه  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا



انتشارات سمرقند

دکتر هوشنگ طالع

اروندرود

چاپ نخست - پاییز ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰

طرح روی جلد و صفحه آرایبی: مریم‌السادات موسویان

شابک: ۹۶۲-۷۷۷۵-۹۳-۹

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

samarghandpub@yahoo.com

## فهرست نوشته‌ها

- ۷ پیش‌گفتار
- ۱۱ درآمد
- ۱۵ گفتار یکم - میان‌رودان در گذر زمان
- ۱۷ بخش یکم - دل ایران شهر
- ۲۱ بخش دوم - ویرانی دل ایران شهر
- ۲۴ بخش سوم - از دل ایران شهر تا کشور عراق
- ۲۷ گفتار دوم - از فروافتادن ساسانیان تا برآمدن صفویان
- ۲۷ بخش یکم - دوران بی‌دولتی و چند حکومتی
- ۳۰ بخش دوم - سر برآوردن حکومت عثمانی در غرب ایران زمین
- ۳۵ بخش سوم - دوباره‌سازی دولت فراگیر ملی
- ۴۵ گفتار سوم - در راه آزادسازی میان‌رودان
- ۵۱ گفتار چهارم - کشورسازی در غرب ایران زمین
- ۵۹ گفتار پنجم - اروندرود
- ۷۹ گفتار ششم - قرارداد ۱۹۲۷ (عقب‌نشینی و پذیرش مقاولنامه ۱۹۱۳ و تحدید حدود ۱۹۱۴)
- ۸۵ گفتار هفتم - از اشغال ایران در دوران جنگ جهانی دوم تا ملی شدن صنایع نفت در سر تا سر کشور
- ۹۳ گفتار هشتم - برافکنده شدن سامان پادشاهی در عراق

- ۹۳ بخش یکم - کودتای قاسم
- ۹۶ بخش دوم - اروندرود در کانون کشمکش‌ها
- ۱۰۳ گفتار نهم - کودتا در پی کودتا
- ۱۰۳ بخش یکم - کودتای عارف
- ۱۰۵ بخش دوم - عارف به دنبال عارف
- ۱۰۹ گفتار دهم - بعث بر کرسی قدرت: ایران ستیز، کردکش و شیعه آزار
- ۱۲۷ گفتار یازدهم - قرارداد الجزایر (۱۹۷۵)
- ۱۳۷ گفتار دوازدهم - از هلال خضیب تا طرح برنارد لوییس
- ۱۴۷ گفتار سیزدهم - اروندرود بهانه‌ی تجاوز نظامی عراق به ایران
- ۱۴۷ بخش یکم - بحران‌زایی
- ۱۵۲ بخش دوم - بحران‌فزایی
- ۱۵۶ بخش سوم - زمینه‌سازی برای گام‌های نظامی
- ۱۶۵ **پی‌نوشت‌ها**
- ۱۸۱ **پیوست‌ها**
- ۱۸۲ پیوست شماره ۱: عهدنامه‌ی سرحدی بین کشور شاهنشاهی ایران و کشور پادشاهی عراق
- ۱۸۵ پیوست شماره ۲: پروتکل
- ۱۸۷ پیوست شماره ۳: اعلامیه مشترک ایران و عراق
- ۱۹۱ پیوست شماره ۴: یادداشت وزارت امور خارجه عراق
- پیوست شماره ۵: عهدنامه‌ی مربوط به مرز دولتی و حسن هم‌جواری بین دولت شاهنشاهی
- ۱۹۳ ایران و دولت جمهوری عراق
- ۱۹۶ پیوست شماره ۶: الحاقیه

- ۱۹۷ پیوست شماره ۷: پروتکل راجع به تعیین مرز رودخانه‌ای بین ایران و عراق
- ۲۰۱ پیوست شماره ۸: موافقت‌نامه بین ایران و عراق
- ۲۱۰ پیوست شماره ۹: یادداشت وزارت امور خارجه‌ی عراق
- ۲۱۲ پیوست شماره ۱۰: یادداشت وزارت امور خارجه‌ی عراق
- ۲۱۴

**کتاب‌نامه**



## پیشگام

در درازای تاریخ این سرزمین، یعنی از چند هزار سال پیش تا کمابیش دو سده‌ی اخیر، قلمرو فرمان‌روایی «دولت ایران»، پهنه‌ی «فلات ایران» بود.

فلات یا پشته (نجد) ایران، یک واحد شناخته شده‌ی جغرافیایی در سطح جهان است. مرزهای این فلات عبارتند از: آن سوی کوه‌های قفقاز در شمال باختری و رودخانه‌ی سیردریا (سیحون) در شمال خاوری؛ از خاوران، فلات پامیر و رود سند؛ از جنوب، اقیانوس هند و آن سوی دریای فارس و از باختر، رودخانه‌ی فرات.

فلات پهناور ایران که بیش از چهار میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد، در درازای چند هزار سال، قلمرو دولت ایران بود. البته در زمان‌های بسیار، این قلمرو، از پهنه‌ی فلات ایران فراتر رفته است و در زمان‌هایی نیز چندین دولت ایرانی (در آرامش و یا جنگ و ستیز) در کنار هم در این پهنه فرمانروایی داشته‌اند.

با ظهور دولت عثمانی در این بخش از جهان، هجوم دولت مزبور به سرزمین‌های دولت ایران، چندین سده به درازا کشید. به دنبال فراز و فرودهای بسیار در جنگ‌های میان دو دولت، بخش‌هایی از سرزمین‌های ایران در باختر از دست رفت که مرزهای کنونی در غرب ایران زمین، حاصل آن است.

با آغاز سده‌ی نوزدهم میلادی، دولت ایران مورد یورش سازمان یافته‌ی استعمارگران اروپایی یعنی امپراتوری‌های روس و انگلیس قرار گرفت. در دوره‌ای کم‌تر از هفتاد سال، دولت ایران از سوی دو امپراتوری مزبور، تجزیه شد و بخش‌های پهناوری از آن تحت سلطه‌ی روسیان و پاره‌ای نیز زیر چنگ بریتانیا قرار گرفت.



چنان که گفته شد ، با آغاز سده‌ی نوزدهم میلادی ، فراگشت تجزیه‌ی دولت ایران در اثر یورش نظامی روس‌ها و انگلیس‌ها ، آغاز شد و در فاصله‌ی زمانی میان ۱۱۹۲ تا ۱۲۶۰ خورشیدی (۱۸۱۳ تا ۱۸۸۱ میلادی ) یعنی تنها در عرض ۶۸ سال ، بخش‌های بزرگی از آن ، دچار پراکندگی شد . قراردادهای عمده‌ی منجر به تجزیه‌ی «ایران» ، عبارتند از:

قرارداد گلستان (۱۸۱۳ م / ۱۱۹۲ خ) : بر پایه‌ی این قرارداد ، بخش‌هایی از سرزمین‌های قفقاز به اشغال روسیان در آمد .

قرارداد ترکمان‌چای (۱۸۲۸ م / ۱۲۰۶ خ): یا قرارداد تجزیه‌ی کامل قفقاز .

قرارداد پاریس (۱۸۵۷ م / ۱۲۳۵ خ) : بر پایه‌ی این قرارداد ، دیوار جدایی میان مردم ایران و افغانستان کشیده شد.

تجزیه‌ی مکران و بلوچستان (۱۸۷۱ م / ۱۲۵۰ خ)

تجزیه‌ی سیستان (۱۸۷۳ م / ۱۲۵۲ خ)

قرارداد آخال (۱۸۸۱ م / ۱۲۶۰ خ) : تجزیه‌ی سرتاسری سرزمین‌های خوارزم و فرارود و الحاق آن سرزمین‌ها به امپراتوری روسیه تزاری

در سال ۱۳۱۱ خورشیدی (۱۹۳۲ میلادی) ، آزارات کوچک با سرچشمه‌ی قره‌سو در دوران پهلوی یکم ، به حکومت ترکیه پیش کش شد . هم‌چنین در سال ۱۳۱۶ خورشیدی (۱۹۳۷ میلادی) در قالب قرارداد مرزی با عراق که در اشغال بریتانیا قرار داشت ، دو استان سلیمانیه و خانقین از ایران تجزیه و به خاک حکومت زاده‌ی استعمار پیوند داده شد .

در سال ۱۳۳۳ خورشیدی (۱۹۵۴ میلادی) در دوران پهلوی دوم ، شهرستان فیروزه به اتحاد شوروی بخشیده شد و در سال ۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی) ، گله‌جزیره [مجمع الجزایر] بحرین از ایران تجزیه گردید .

به دنبال هر تجزیه ، مردم ایران کوشش‌ها را بی‌ایست ، برای یگانگی دوباره‌ی سرزمین‌های ایرانی نشین و مردمان ایرانی تبار ، پی گرفتند .

مردمان قرار گرفته زیر سلطه‌ی بیگانگان نیز از هر فرصتی که به دست آوردند ، در راه

اروند درود

وصل کوشیدند. از نمونه‌های بسیار روشن و برجسته‌ی آن، می‌توان، از خواست مردم نخجوان برای پیوستن به ایران پس از فروپاشی امپراتوری روس، تلاش سردمداران حکومت آذربایجان (اران)، برای ایجاد فدراسیون با ایران، درخواست مردم سرخس برای پیوند دوباره با سرزمین مادری، گسیل هیات از سوی مردمان فرارود به انجمن آشتی ورسای، برای پیوستن دوباره به ایران، تمایل مردم گنجه برای بازسازی پیوندهای دیرین و ...، نام برد.

این تلاش‌ها را امپریالیسم انگلیس که با پیروزی در نبرد نخست جهانی به قدرت برتر جهان بدل شده بود، ناکام گذارد زیرا بیم آن داشت که «وحدت‌خواهی» یا «پان‌ایرانیسم» به سرزمین‌های افغانستان، بلوچستان و مکران بکشد و در نتیجه، مستعمره‌ی هندوستان، مورد مخاطره قرار گیرد.

«پان‌ایرانیسم»، نام نوینی است، بر پدیده‌ای کهن. «پان‌ایرانیسم» عبارت است از «پیش‌ران» تاریخ ایران. یا به گفته‌ی دیگر، پان‌ایرانیسم عبارت است از فلسفه‌ی تاریخ ایران و یا حرکت گوهری (جوهری)، تاریخ این سرزمین.<sup>۱</sup>

در سال ۱۳۰۶ خورشیدی، شادروان دکتر محمود افشار یزدی، برای نخستین بار، اصطلاح پان‌ایرانیسم را وارد فرهنگ سیاسی ایران کرد. بدین سان، او برای پدیده‌ای که به دیرینگی تاریخ این سرزمین می‌باشد، نام تازه‌ای به کار برد.

پان‌ایرانیسم یا حرکت گوهری و یا پیش‌ران تاریخ ایران، دارای دو چهره و یا دارای دو وجه می‌باشد: در دوران‌های یگانگی، پان‌ایرانیسم در راستای نگاه‌داری و نگاه‌بانی از وحدت قرار دارد و در دوران‌های تجزیه، در راستای ایجاد وحدت، حرکت می‌کند. به دیگر سخن، پان‌ایرانیسم در دوران یگانگی «وحدت‌دار» و در دوران‌های تجزیه و پراکندگی «وحدت‌ساز» است.

---

۱ - این اصطلاح با اصطلاح «حرکت جوهری» ملاصدرا در ارتباط نمی‌باشد.



## درآمد

فریدون کمر بست و اندر کشید  
 نکرد آن سخن را بدیشان پدید  
 به «اورند رود» اندر آورد روی  
 چنان چون بود مرد دیهیم جوی  
 اگر پهلوانی ندانی زبان  
 به تازی، تو اروند را دجله خوان  
 چو آمد به نزدیک اروند رود  
 فرستاد زی رودبانان درود  
 که کشتی و زورق هم اندر شتاب  
 گذارند، یک سر بدان سوی آب

(شاهنامه فردوسی)

اصطلاح «شط العرب» یعنی افزودن پسوند «العرب» به واژه «شط» نیز مانند اصطلاح «کشور پادشاهی یا جمهوری عراق»، اصطلاحی است نه چندان دیرپا و بیش تر، ساخته و پرداخته دست استعمار بریتانیا.

سرزمین میان رودان (بین النهرین) که پس از جنگ جهانی اول و متلاشی شدن امپراتوری عثمانی، حکومت جدیدالولاده‌ی عراق بر پایه‌ی برنامه‌ریزی‌ها و سیاست استعماری «کشورسازی» انگلستان بر پهنه‌ی آن زاده شد، میان دو رودخانه‌ی بزرگ غرب آسیا، یعنی دجله و فرات قرار داد.

بن‌نشت‌ها (مدرک‌ها) و نوشته‌های بسیار، چه ایرانی و چه انیران (غیر ایرانی)، چه به

زبان فارسی و چه به غیرفارسی، نشان می‌دهند که از زمان‌های دور تاریخ، نام «اروند» (خروشان) برای رود دجله و هم چنین رودخانه‌ای که از پیوستن دجله و فرات و نیز فرات و دجله و کارون تشکیل می‌گردد، به کار برده می‌شده است: <sup>۱</sup>

واژه‌ی «شط العرب» را نخستین بار، عثمانی‌ها در قرن یازدهم هجری به کار بردند و مقصودشان از آن «دجله» بود. این لفظ، سپس به منابع ایرانی نیز راه یافت و تداول عمومی پیدا کرد.

اما از اوایل قرن ۱۹ به بعد بود که دولت انگلستان، از سر اغراض سیاسی و به ویژه، جداسازی سواحل شرقی دجله از سرزمین خوزستان، آن را به معنی محدودی معینی از دجله (از قرنه تا فاو)، توصیف و تبلیغ کرد ...

استاد فیروز منصوری در کتاب استعمار بریتانیا و مساله‌ی اروند، در این زمینه می‌نویسد: <sup>۲</sup>

تا آن جا که نگارنده اطلاع دارد، نخستین بار امیر شرفخان بدلیسی در کتاب شرفنامه، ضمن بحث از حکام جزیره، واژه‌ی «شط العرب» را به جای دجله به کار برد و چنین نوشت:

قلعه و بلده‌ی جزیر در ساحل رودخانه شط‌العرب واقع شده. چنان چه در هنگام طغیان آب، شط دو حصه گشته، قلعه و شهر را در میان گرفته می‌رود.

اولیای چلبی در سیاحت‌نامه‌ی خود، رودخانه‌ی دجله را شط العرب می‌خواند:

فاصله‌ی فرات و شط‌العرب، پنجاه فرسخ است. سرچشمه‌ی شط العرب کوه‌های دیاربکر است. در قرنه با فرات یکی می‌شود. به نهر فرات چند صد رود وارد می‌شود [ که ] بزرگ‌ترین آن‌ها، شط العرب است.

صاحب فرهنگ شعوری، درباره‌ی واژه‌ی اروند، می‌گوید:

واژه‌ی اروند با سکون را و نون و فتح و او، هفت معنی دارد.

نخستین آن نهر دجله است که شط العرب می‌گویند.

وی بیت‌های زیر را، شاهد می‌آورد:

اگر پهلووانی نداتی زبان      به تازی، تو اروند را دجله خوان

(فردوسی)

دار، اروند رود را بر یاد      که به تازی بود، شط بغداد

(صاحب فرهنگ منظومه)

## آن که از تیغ او، دشمن کرد بر زعفران، روان اروند

(شمس فخری)

اجزای متشکله‌ی رودخانه‌ی مرزی میان ایران و عراق (اروند رود) عبارتند از: فرات، دجله و کارون.

رودخانه‌ی فرات از بلندی‌های سرزمین ارمنستان، سرچشمه می‌گیرد. این رودخانه از پیوستن رودهایی که از فلات ایران و کشور کنونی ترکیه، سرچشمه می‌گیرند، تشکیل می‌شود.

کمابیش ۶۰ درصد از آب رودخانه‌ی دجله از کوه‌های زاگروس (ایران) سرچشمه می‌گیرد با توجه به آبدهی دجله و فرات، حدود ۴۰ درصد از آب رودخانه‌ای که از پیوستن این دو رودخانه تشکیل می‌گردد، از سرزمین کنونی ایران تامین می‌شود.

اما اروندرود هنگامی ارزش واقعی کشتی‌رانی پیدا می‌کند که رودخانه کارون، یا بزرگ‌ترین رودخانه ایران بدان می‌پیوندد.

میزان زیادی از آب رودخانه‌های فرات و دجله، در اثر سدسازهای زیاد حکومت ترکیه بر روی آن‌ها، کاهش یافته است. تنها به برکت کارون است که اروندرود هنوز توانسته است، ارزش کشتی‌رانی خود را نگه دارد.

از این رو، با توجه به اهمیت حیاتی اروندرود برای ایران، ایران به گونه‌ی عملی، در آب دجله و فرات سهیم است. از این رو، باید وزارت خارجه‌ی جمهوری اسلامی در این مورد، با دولت‌های ترکیه و سوریه و عراق، وارد گفت‌وگوهای جدی شود. به ویژه باید به ترکیه گوش زد شود که کاسته شدن از میزان آبدهی رودخانه‌ی فرات می‌تواند به منافع ایران در اروندرود زیان کلی وارد کند.

کاسته شدن از آب اروندرود، کشتی‌رانی در این رودخانه‌ی مرزی با عراق را با خطر جدی روبرو خواهد کرد. در نتیجه، بندر بصره و خرم‌شهر، دچار زیان بزرگ می‌گردند.



## گفتاریکم

### میان رودان در گذر تاریخ

ایران شهر یا سرزمین ایرانیان ( ایرها ) بر پایه‌ی بن‌نشت‌ها ، در میان جهان ( جهان آن روزگار از شرقی‌ترین نقطه‌ی ژاپن تا غربی‌ترین نقطه‌ی اروپا ) قرار داشت و شش کشور دیگر جهان ، در گرداگرد آن قرار داشتند . این هفت کشور یا هفت اقلیم یا « کوره » ، عبارتند از :

خونی‌رس ( خونی رث ) در میان . در خاور ، کشور ارزه . در باختر ، کشور سوه . در شمال دو کشور وروجرش و وروبرش و در جنوب ، کشورهای فرددفش و ویددفش . ایران ، در کشور خونی‌رس ، یعنی در دل زمین قرار دارد .

در مقدمه‌ی قدیم شاه‌نامه که دیرین‌ترین متن فارسی است که در آن به نام هفت کشور اشاره رفته است ، این گونه از آن‌ها یاد گردیده :

هر کجا آرام‌گاه مردمان بود ، به چهارسوی جهان از کران تا کران ، این زمین را ببخشند و به هفت بهر کردند و هر بهری را یکی کشور خواندند . نخستین را ارزه خواندند . دوم را سوت خواندند . سوم را فرددفش خواندند . چهارم را ویددفش خواندند . پنجم را ووربرست خواندند . ششم را وورجرست خواندند . هفتم را که میان جهان است خنرس [ خونیرس ] بامی . و خنرس بامی آن است که ما بدو اندرون‌ایم و شاهان ، او را ایران‌شهر خواندندی ...

در بن‌دهش ، درباره‌ی کشور خونیرث و هفت کشور روی زمین آمده است :<sup>۲</sup>

هنگامی که تیشتر ، آن باران را ساخت که دریاها از او پدید آمدند ، زمین را همه جای نم بگرفت [ و ] به هفت پاره بگسست [ و ] دارای زیر و زبر و بلندی بشد .



پاره‌ای به اندازه‌ی نیمه‌ای [ در ] میان و شش پاره‌ی [ دیگر ، پیرامون آن قرار گرفت ] . آن شش پاره ، به اندازه‌ی خونیرس است . او [ آن‌ها را ] کشور نام نهاد ، زیر [ ایشان را مرز بود ] چنان [ که ] پاره‌ای را [ که ] به ناحیه‌ی خراسان است ، کشور « ارزه » پاره‌ای را [ که ] به ناحیه‌ی خاوران است ، کشور « سوه » ، دو پاره را [ که ] به ناحیه‌ی نیمروز است ، کشور « فرددفش » و « ویددفش » ، دو پاره را [ که ] به ناحیه اباختر است ، کشور « وروبرش » و « وروجرش » خوانند .  
 آن را که میان ایشان و به اندازه‌ی ایشان است ، خونیرس خوانند .

نظامی گنج‌های این معنا را سده‌ها بعد ، چنین بیان می‌کند :

همه عالم ، تن است و ایران دل	نیست گوینده زین قیاس خجل
چون که ایران ، دل زمین باشد	دل ز تن به بود ، یقین باشد